

رابطه بین ویژگی های شخصیتی با نگرش نسبت به طلاق در زنان

تورج فلاح مهنه، محبوبه قربان نژاد و فرانک صالحی^۱

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه turaj.falah@yahoo.com

دانشجوی ترم دوم ارشد روانشناسی بالینی mahbobeh6668@gmail.com

دانشجوی ترم دوم ارشد روانشناسی بالینی fsalehi695@gmail.com

چکیده

زمینه: یکی از معضلات مهم در زندگی زناشویی پدیده ای به نام «طلاق» است شاید هم غم انگیزتر از طلاق حادثه ای در دنیا شناسایی نشده است. با آنکه نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد اما میزان آن رو به افزایش است و ایران جزء کشورهای مستعد از نظر میزان طلاق معرفی شده است شاید مهمترین عاملی که باعث افزایش میزان طلاق در قرن بیستم شده است پذیرش اجتماعی روزافزون طلاق است یکی از مهمترین عوامل طلاق در جامعه امروز بحران شخصیت است. هدف پژوهش حاضر رابطه بین ویژگی های شخصیتی با نگرش نسبت به طلاق در زنان است.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر علی مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر کاشمر بودند که دامنه سنی آن ها تقریباً ۲۰ تا ۶۰ سال را در بر می گرفت. در انجام این پژوهش تعداد ۲۹۶ نفر (۱۴۸ نفر متقاضی طلاق و ۱۴۸ نفر عادی) شرکت داشتند که ۱۴۸ نفر از آنان را زوجین متقاضی طلاق و ۱۴۸ نفر از آن ها را زوجین عادی تشکیل می دادند. جهت انتخاب آزمودنی ها از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد. لازم به ذکر است که پرسشنامه ها به صورت انفرادی توسط آزمودنی ها تکمیل گردید. برای تحلیل داده ها با بهره گیری از نرم افزار spss ۲۶ و LISREL 8.80 آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته ها: بین دو گروه عادی و متقاضی طلاق در خرده مقیاس های روانرنجوری، برونگرایی و گشودگی به تجربه تفاوت معناداری وجود دارد و در دو خرده مقیاس دیگر یعنی موافقت و وجدان تفاوت معناداری دیده نشد. به بیان دیگر، گروه متقاضی طلاق در خرده مقیاس های روانرنجوری و گشودگی به تجربه نمره بالایی نسبت به گروه عادی کسب کردند که این تفاوت معنادار بود. گروه عادی در خرده مقیاس برونگرایی نمره بالایی نسبت به گروه متقاضی طلاق کسب کردند که این تفاوت نمره معنادار بود. در مقیاس های دیگر یعنی وجدان و موافقت هر دو گروه تقریباً نمره یکسانی را دریافت کردند و تفاوت معناداری بین دو گروه در این دو خرده مقیاس دیده نشده است

کلیدواژه ها: طلاق - ویژگی های شخصیتی - نگرش - زنان

مقدمه

خانواده به عنوان یکی از اصلی ترین نهادهای اجتماعی می تواند نقش تعیین کننده ای در ایجاد کارکردهای مثبت در نظام اجتماعی و سلامت روانی انسانها داشته باشد. بسیاری از نابهنجاریهای روانی و رفتاری انسانها در خانواده ریشه دارد، خانواده می تواند محلی آرامش بخش برای همه اعضا باشد و در مقابل می تواند کانون پرتنش برای آنان باشد. یکی از معضلات مهم در زندگی زناشویی پدیده ای بنام «طلاق» است. طبق تعریف طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش ها و سبک زندگی جدید خاتمه می یابد (چهره و همکاران، ۱۳۹۶). شکی نیست که پدیده جدایی و طلاق معلولی است که علت های گوناگون می تواند به وجود آورنده آن باشد. علتی که خود معلول افراط و تفریطها و کم کاستیهای موجود در جامعه هستند و به صورتی روز افزون و چشم گیر اختلافات میان همسران را دامن می زند. عوامل مختلفی از جمله عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی بر پدیده طلاق تأثیر گذار است. از میان این عوامل، عامل فردی طلاق بیشتر مورد توجه مشاوران خانواده و ازدواج قرار گرفته است که شامل ابعادی چون ویژگیهای ارثی، فیزیولوژیکی، ویژگیهای شخصیتی و روانی و آموخته ها می باشد (خادمی و همکاران^۱، ۲۰۱۵). یکی از مهمترین و عمیق ترین عوامل موثر در طلاق، ویژگی های شخصیتی و اختلالات روانی زوجین است. برخی ویژگیهای شخصیتی و اختلالات روانی تنش ها و تعارضات را بین زوجین افزایش می دهد و تداوم زندگی زناشویی را مورد تهدید قرار می دهد (دوپلان و همکاران، میزان طلاق در سراسر دنیا به طور فزاینده ای، روبه رشد است و وابسته به اشخاص، اثرات اجتماعی و اقتصادی می باشد که به طور گسترده ای مورد مطالعه قرار گرفته است (یانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۹) بعضی از پیامدهای حاصل از اختلال در ازدواج عبارتند از، همبستگی مثبت بین تعارض زناشویی و افسردگی (دریانفورث و همکاران^۳، ۲۰۱۸)، سطح پایین سلامت جسمانی. (رابرتز^۴، ۲۰۱۷)، و مشکلات شغلی (مولایی و بنی هاشم^۵، ۲۰۱۶). معضل طلاق در کشور ما طی سالهای اخیر افزایش یافته است و ما همه ساله شاهد رقمی بین ۱۳-۱۷ درصد افزایش طلاق بوده ایم. تحقیقات مختلف در این خصوص می تواند نشان دهد که چه عواملی باعث افزایش طلاق می شوند ولی آنچه که مشهود است این است که روال حاکم بر روابط همسران در برخی زمینه ها کارآمد، موثر و سازنده نیست و تغییراتی در تعاملاند غیر کارآمد موجود بین همسران بایستی بوجود بیاید. رابطه زناشویی ارتباط دو شخصیت مختلف با دو تاریخچه تکاملی و سبک شخصیتی متفاوت و ترکیبی از عوامل زیستی و تجربی است که هر کدام از زوجین با خود به زندگی زناشویی وارد میکنند. شخصیت نشان دهنده ویژگیهای فردی است که الگوی رفتاری ثابت افراد را به نمایش میگذارد. شخصیت را می توان به عنوان مجموعه ای از ویژگی های نسبتا پایدار و منحصر به فرد که می تواند در موقعیت های مختلف تغییر نماید تعریف نمود. یک رویکرد معتبر برای اندازه گیری صفات شخصیتی، مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی است. برونگرایی، توافق جویی، وظیفه شناسی، روان رنجورخویی و گشودگی، ابعاد اصلی مدل پنج گانه شخصیت می باشند. در این طبقه بندی، افرادی که دارای ویژگی عواطف مثبت یا برونگرایی هستند، افرادی سرزنده، پر جنب و جوش و اجتماعی میباشند. افراد بسیار عصبی (روان رنجور) یا افرادی که دارای احساسات منفی بالایی هستند، در روابط خود مضطرب و متزلزل می باشند. افراد با ویژگی وظیفه شناسی بالا، افرادی مسوولیت پذیر، متمرکز و سازمان یافته هستند. افراد سازگار (توافق جو)، افرادی متفکر، مهربان و حامی هستند. گشودگی نسبت به تجربیات (خرد)، ویژگی افراد مبتکر و خلاق می باشد. اثرات شخصیت بر عملکرد فردی در حوزه روابط زناشویی، با تاکید بر بررسی نارضایتی زناشویی توسط برخی از مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. نتایج این مطالعات نشان دهنده ارتباط سطوح بالای عواطف منفی یا روان رنجورخویی به صورت همزمان و آینده نگر با کیفیت و رضایت کمتر در روابط زناشویی می باشد. علاوه بر این در افرادی که همسران آنان نیز سطوح بالای روان رنجورخویی را گزارش میکنند، رضایت و کیفیت روابط زناشویی پایینتر است.

¹ Khademi² Yang³ Dyrenforth⁴ Roberts⁵ Molaei , Banihashem

بعنوان مثال یافته های مطالعه فیشر و همکاران نشان میدهد زنان و مردانی که در ویژگی روان رنجورخویی نمرات بالاتری را کسب میکنند از رضایت زناشویی پایینتری برخوردارند. یانگ و همکاران نیز در بررسی ویژگیهای شخصیتی، ارتباط روان رنجورخویی با چگونگی کیفیت رابطه زناشویی را گزارش کرده اند. حسینی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان مقایسه ویژگی های شخصیتی در زوجین عادی و متعارض بر اساس فرم ۵ عاملی نتو به این نتیجه رسیدند که بین این دو گروه از نظر ویژگی های شخصیتی روان رنجوری، برونگرایی و باز بودن به تجربه تفاوت معنادار وجود دارد و از نظر ویژگی های وجدانی بودن و انعطاف پذیری تفاوت معناداری دیده نشد. رجبی و بنگانی (۲۰۰۹) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی رابطه ی بین ویژگیهای شخصیتی و مؤلفه های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل اداره های دولتی به این نتیجه رسیدند که بین مولفه روانرنجوری شخصیت و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد و بین برون گرایی، باز بودن به تجربه و وجدان و توافق پذیری و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. در واقع رابطه زناشویی پیوند دو شخصیت است و هریک از همسران با پیشینه تحولی، سبک شخصیتی، ترکیب عوامل زیست شناختی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می گذارند (محمد زاده ابراهیمی و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی، نشان داد که بین ویژگی های شخصیتی توافق پذیری، برونگرایی، دلپذیر بودن و انعطاف پذیری با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنی دار و بین روان رنجورخویی و سازگاری زناشویی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را تحت عنوان پیش بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج ها به انجام رساندند، که نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین زوجین عادی و در معرض طلاق در روان رنجور خویی، تجربه پذیری و وظیفه شناسی به طور معنی داری با یکدیگر تفاوت وجود دارد. باتوجه به مطالب بیان شده ما در این پژوهش درصدد آن هستیم که دریابیم آیا عوامل شخصیتی با نگرش نسبت به طلاق در ارتباطند؟

روش تحقیق

روش - علی مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر کاشمر بودند که دامنه سنی آن ها تقریباً ۲۰ تا ۶۰ سال را در بر می گرفت. در انجام این پژوهش تعداد ۲۹۶ نفر (۱۴۸ نفر متقاضی طلاق و ۱۴۸ نفر عادی) شرکت داشتند که ۱۴۸ نفر از آنان را زوجین متقاضی طلاق و ۱۴۸ نفر از آن ها را زوجین عادی تشکیل می دادند. جهت انتخاب آزمودنی ها از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد. لازم به ذکر است که پرسشنامه ها به صورت انفرادی توسط آزمودنی ها تکمیل گردید. برای تحلیل داده ها با بهره گیری از نرم افزار spss ۲۶ و lisrel 8.80 آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

ابزار اندازه گیری پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نتو (NEO-FFI): برای سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم کوتاه نتو (NEO-FFI) استفاده شد. این پرسشنامه در واقع کوتاه شده ی پرسشنامه ی ۲۴۰ سؤالی (NEO-PI-R) با ۶۰ سؤال است که کوستا و مک گری (۲۰۱۶) برای ارزیابی ۵ ویژگی اصلی شخصیت (نورزگرایی، برونگرایی، گشودگی، مقبولیت، باوجدانی) تدوین کردند و براساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت از کاملاً مخالف، تا کاملاً موافق نمره گذاری می شود و ضرایب اعتبار بازآزمایی آن نیز بین ۸۳/۰ تا ۷۵/۰ گزارش شده است. گروسی فرشی (۱۳۸۰)، نیز ضرایب همسانی درونی را برای هر یک از عوامل روان رنجور خویی، برونگرایی، باز بودن به تجربه، مقبولیت و با وجدانی به ترتیب برابر: ۰،۸۶، ۰،۷۳، ۰،۷۶ و ۰،۸۷، گزارش کرده است (فتحی آشتیانی و دادستان، ۱۳۸۹). همچنین در این پژوهش ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ بین ۰،۶۸ تا ۰،۷۶ به دست آمد. در پژوهش کیامهر (۱۳۸۱)، پایایی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی برای پنج عامل روانرنجور خویی، برونگرایی، بازبودن به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن به ترتیب ۰،۸۴، ۰،۸۲، ۰،۷۸، ۰،۶۵، ۰،۸۶ گزارش شده است. خجسته مهر (۱۳۸۴) نیز پایایی این پرسشنامه را در مردان و زنان متقاضی طلاق شهر اهواز با روش آلفای کرونباخ بین ۰،۶۶ تا ۰،۹۰ و با روش تنصیف بین ۰،۵۱ تا ۰،۸۲ و برای مردان و زنان عادی با روش آلفای کرونباخ بین ۰،۶۰ تا ۰،۸۴ و

با روش تنصیف بین ۱۶۴ تا ۰,۸۰ محاسبه کرد. یک نمونه از سوالات پرسشنامه به این شرح است: دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشد.

نتایج پژوهش

جدول شماره (۱) آماره های توصیفی متغیرهای مربوط به گروه های مورد مطالعه را نشان می دهد. مطابق مندرجات این جدول، که نمرات خرده مقیاس های آزمون ۵ عاملی NEO در دو گروه عادی و متقاضی طلاق نشان داده است، میانگین مقیاس های روانرنجوری و تجربه پذیری در گروه متقاضی طلاق بیشتر از گروه عادی است و میانگین مقیاس برونگرایی و موافقت در گروه عادی بیشتر از گروه متقاضی طلاق است و در مقیاس وجدانی بودن دو گروه تقریباً دارای میانگین یکسانی هستند. میانگین و انحراف استاندارد و بیشترین و کمترین نمره کسب شده متغیر روابط فراخانوشویی را نشان می دهد.

جدول ۱: محاسبه شاخص های توصیفی ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های آن

شاخص آماری متغیر	تعداد	میانگین افراد عادی	میانگین افراد طلاق	انحراف معیار طلاق
روانرنجور خوبی	۱۴۸	۱۲/۰۶	۱۳/۰۷	۱/۸۷
برون گرایی	۱۴۸	۱۸/۷۹	۱۴/۱۵	۱/۸۱
گشودگی به تجربه	۱۴۸	۲۰/۷۰	۲۱/۲۲	۲/۶۷
موافقت	۱۴۸	۳۵/۳۶	۳۲/۳۱	۲/۶۸
وجدان	۱۴۸	۸۶/۹۲	۸۶/۸۵	۲/۹۸

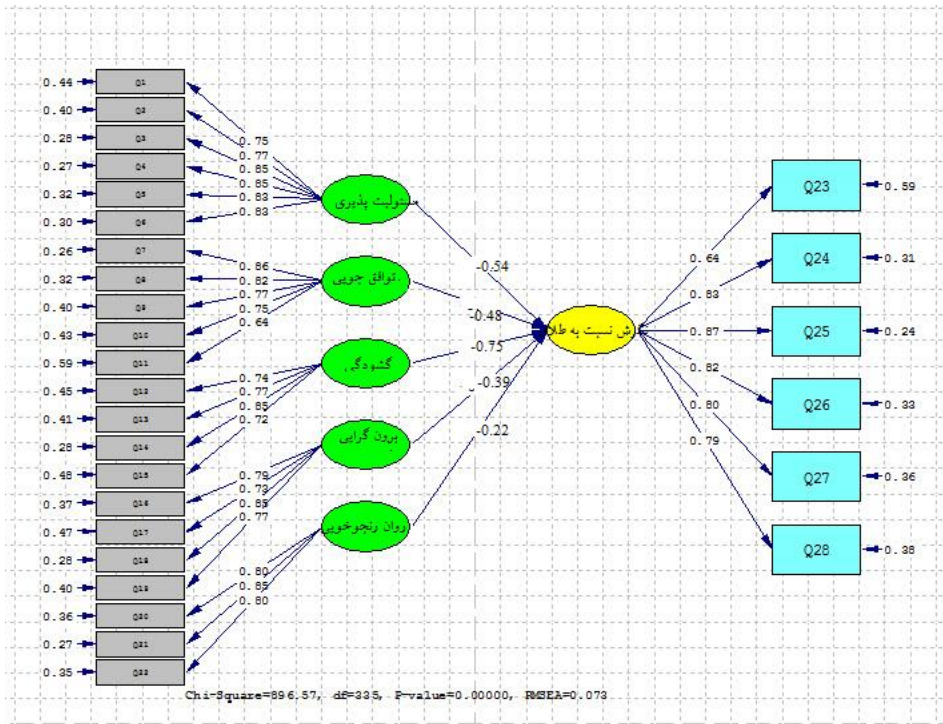
جدول (۱)، با توجه به سطوح متغیرهای وابسته، برای مقایسه دو گروه در متغیرهای خرده مقیاس های شخصیت از آزمون تحلیل واریانس چند استفاده شده است. البته قبل از انجام تحلیل (MANOVA) متغیر واریانس چند متغیره، پیش فرض های آن مورد بررسی قرار داده شد. بدین منظور برای بررسی تساوی واریانس ها، آزمون لوین انجام شد که نتایج آزمون لوین برای تمام خرده مقیاس های آزمون پنج عامل نئو معنادار نبود و نشان می دهد که این پیش فرض رعایت شده است لذا از آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۲) نشان داده شده است

جدول ۲: محاسبه شاخص های توصیفی ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های آن

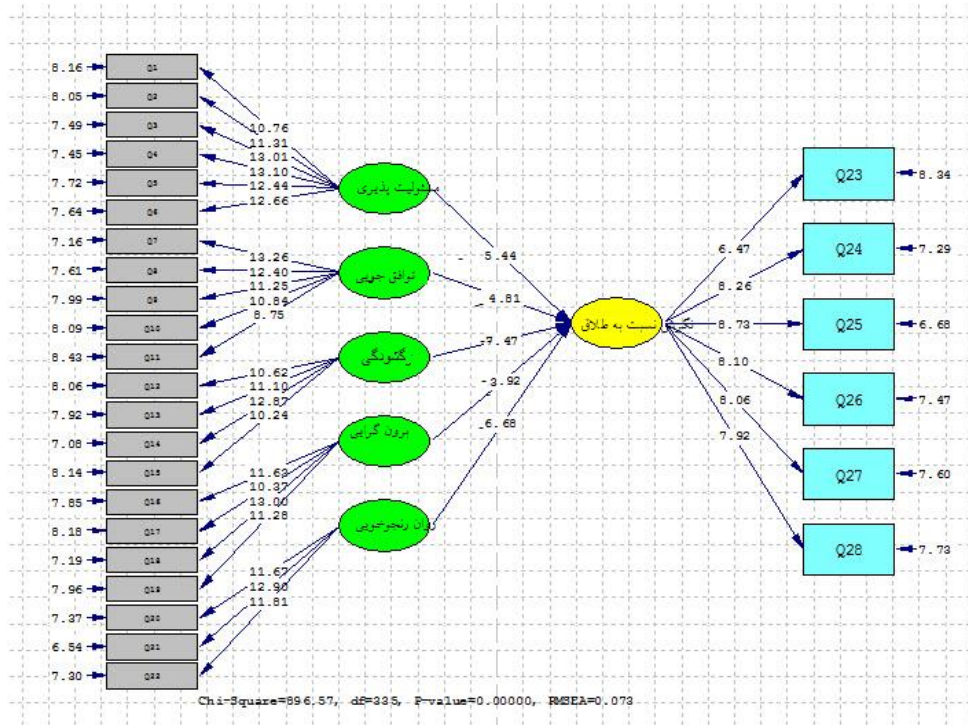
شاخص آماری متغیر	مجموع مجذورات	درجه زادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
روانرنجور خوبی	۱۰۲۴/۱۴	۱	۱۰۲۴/۱۴	۲۴/۱۵۲	۰/۰۰۱
برون گرایی	۳۳۵/۲۱	۱	۳۳۵/۲۱	۱۰/۳۵۰	۰/۰۰۱
گشودگی به تجربه	۴۴۵/۵۱	۱	۴۴۵/۵۱	۱۰/۲۵۰	۰/۰۰۱
موافقت	۱۲۱/۲۵۰	۱	۱۲۱/۲۵۰	۱۵/۲۳۰	۰/۰۰۱
وجدان	۳۶۲/۲۱۰	۱	۳۶۲/۲۱۰	۱۴/۵۴	۰/۰۰۱

مطابق مندرجات جدول (۲)، بین دو گروه عادی و متقاضی طلاق در خرده مقیاس های روانرنجوری، برونگرایی و گشودگی به تجربه تفاوت معناداری وجود دارد و در دو خرده مقیاس دیگر یعنی موافقت و وجدان تفاوت معناداری دیده نشد. به بیان دیگر، گروه متقاضی طلاق در خرده مقیاس های روانرنجوری و گشودگی به تجربه نمره بالایی نسبت به گروه عادی کسب کردند که این تفاوت معنادار بود. گروه عادی در خرده مقیاس برونگرایی نمره بالایی نسبت به گروه متقاضی طلاق کسب کردند که این

تفاوت نمره معنادار بود. در مقیاس های دیگر یعنی وجدان و موافقت هر دو گروه تقریباً نمره یکسانی را دریافت کردند و تفاوت معناداری بین دو گروه در این دو خرده مقیاس دیده نشده است



رابطه بین متغیرهای پژوهش در حالت استاندارد



رابطه بین متغیرهای پژوهش در حالت معناداری

ماتریس همبستگی ویژگیهای شخصیتی با نگرش نسبت به طلاق

شاخص آماری متغیر	روانرنجور خوبی	برون گرایی	گشودگی به تجربه	موافقت	وجدان	رابطه فراشناختی
	-۰/۵۴	-۰/۴۸	-۰/۷۵	-۰/۳۹	-۰/۲۲	
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰۰	

با توجه به ضریب اطمینان ۰/۹۵، وسطح معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون که از مقدار پیش فرض (۰/۰۵) کمتر است. فرض صفر (عدم وجود رابطه بین ویژگی های شخصیتی و نگرش نسبت به طلاق در افراد متاهل) را رد و فرض مقابل (وجود رابطه بین ویژگی های شخصیتی و نگرش نسبت به طلاق در زنان متاهل) پذیرفته می شود.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش مقایسه ویژگی های شخصیتی زوج های متقاضی طلاق و زوج های عادی بر اساس آزمون شخصیتی پنج عاملی NEO بود. نتایج پژوهش مبین این واقعیت است که زوج های متقاضی طلاق در مقایسه با زوج های عادی در برخی از خرده مقیاس های آزمون شخصیتی پنج عاملی NEO با هم تفاوت معناداری دارند. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد نمره خرده مقیاس روان رنجوری و باز بودن به تجربه در زوج های متقاضی طلاق به طور معناداری بیشتر از زوج های عادی می باشد. نمره خرده مقیاس برونگرایی در زوجین عادی به طور معنی داری بیشتر زوجین عادی می باشد. در دو مقیاس دیگر یعنی موافقت و وجدان میانگین نمرات زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق است ولی این تفاوت معنی دار نمی باشد. در رابطه با روان رنجوری نتایج این تحقیق با یافته های پژوهش های (رابینز و همکاران، ۲۰۱۷)، (شعرباف، ۱۳۷۹)، (رجبی و بنگانی، ۲۰۱۳)، (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸)، (شاهمردای و همکاران، ۱۳۹۰)، (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰)، (مرادی، ۱۳۹۲)، (کاگلین و همکاران، ۲۰۱۷)، (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) و ... همخوان می باشد. در تبیین این نکته می توان چنین بیان کرد که افرادی که دارای روانرنجورخوبی هستند، معمولاً دارای عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی چون غم، ترس، خشم، اضطراب، عصبانیت، احساس گناه و ... هستند. این عواطف منفی و عدم ثبات عاطفی انطباق فرد با خانواده و همسر، درک همسر، درک و انجام نقش های همسر داری، توجه به همسر و ... را مختل می کند و سبب تمایل بیشتر فرد به تکانش گری و پرخاشگری می شود، که این خود روابط فرد با خانواده و همسر خویش را جریحه دار کرده و سبب تعارض و در نتیجه اقدام به طلاق می شود. از سوی دیگر این عواطف منفی قدرت فرد را در تصمیم گیری و کنترل تکانه ها کاهش می دهد و این عامل سبب می شود که فرد در هنگام مواجهه با مشکلات و بحران های زندگی نتواند از راهبرد مناسبی استفاده کند که این خود می تواند پیش در آمدی برای ایجاد تعارض و در نتیجه اقدام به طلاق شود. همچنین افرادی که دارای ویژگی روانرنجورخوبی هستند، مستعد داشتن عقاید و افکار غیر منطقی هستند. از آنجا که یکی از عواملی که می تواند موجب تعارض و اختلاف در بین زن و شوهر شود، همین عقاید و افکار غیر منطقی هستند، روانرنجور خوبی زوج ها می تواند آن ها را به سوی عقاید غیر منطقی سوق دهد و توانایی آن ها را برای مقابله با فشارهای روانی و مشکلات از بین ببرد و در نتیجه افراد را در هنگام روبرو شدن با مشکلات و اختلاف ها عصبی تر و غیر منطقی تر کند که این خود احتمال تعارض، جدایی عاطفی و در نتیجه اقدام به طلاق را در بین زوجین افزایش دهد. یکی دیگر از یافته های این پژوهش این بود که میانگین باز بودن به تجربه در زوجین متقاضی طلاق به طور معناداری بیشتر از زوجین عادی می باشد. در رابطه با باز بودن به تجربه نتایج این پژوهش با یافته های (رجبی بنگانی، ۲۰۱۳)، (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸)، (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹)، و ... ناهمخوان است. اگر چه این یافته با یافته های قبلی ناهمخوان است، ممکن است به خاطر اختلافات فرهنگی، جامعه آماری خاص، موقعیت جغرافیایی

خاص و یا عوامل دیگر باشد. ولی یافته این پژوهش را فقط اینطور می توان تبیین کرد که تجربه پذیری (باز بودن به تجربه یک ویژگی شخصیتی است که حس کنجکاوی و تجربه کردن چیزهای جدید را در فرد به وجود می آورد. همین ویژگی در زوجین می تواند سبب شود تا آن ها به دنبال تنوع در شریک جنسی خود باشند و در نتیجه به دنبال روابط فرا زناشویی باشند و یا اینکه تجارب جدیدی مثل اعتیاد، مصرف الکل، وقت گذرانی های خارج از خانه زیاد با دوستان و به سفر رفتن و گشت و گزارهای زیاد کردن را تجربه کنند که این ها همه و همه خود می توانند عواملی برای ایجاد تعارض در یک رابطه و شدت گرفتن اختلافات باشد و در نتیجه موجب اقدام به طلاق از طرف خود فرد یا همسر شود. اما با این حال همان طور که مک کری و کاستا (۱۹۹۷) بیان داشته اند در میان پنج عامل بزرگ شخصیت، عامل تجربه پذیری، پیچیده ترین عامل می باشد و درک و شناسایی آن مشکل است. بنابراین مطالعات و پژوهشهای بیشتری باید صورت گیرد تا رابطه بین این عامل و اقدام به طلاق مشخص شود. از دیگر یافته های پژوهش این بود که میانگین برونگرایی به طور معنی داری در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق بود. در رابطه با برونگرایی نتایج این پژوهش با یافته های حسینی نسب و همکاران، (۱۳۸۸)، (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱)، (عسگری، ۱۳۸۹)، (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰)، (رجبی کنگانی، ۲۰۱۳)، (واتسون و همکاران، ۲۰۰۰) و (مرادی، ۱۳۹۲) همخوان است و با پژوهش (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹) ناهمخوان است. در تبیین این یافته می توان گفت که افراد برونگرا دارای ویژگی هایی چون گرمی، محبت، جمع گرایی، جرات ورزی، فعالیت، هیجان خواه، عواطف مثبت و مطلوب هستند. این ویژگی ها سبب ایجاد یک فضای شاد، دل انگیز در خانواده می شود و سطح سازگاری و رضایت را در زندگی افزایش می دهد و باعث ایجاد روابط زناشویی مستحکم بین زن و شوهر می شود. همچنین از سوی دیگر افرادی که دارای ویژگی برونگرایی هستند، به علت ارتباطات زیاد، معمولاً در هنگام بروز بحران و مشکل در زندگی، از حمایت های اجتماعی زیادی برخوردار می شوند و از این طریق بهتر می توانند با مشکلات دست و پنجه نرم کنند و آن ها را حل کنند. ولی افراد درونگرا یا کمتر برونگرا معمولاً مشکلات را در درون خود نگه می دارند، که این خود می تواند زمینه ساز اضطراب، ترس و استرس بیشتر در زندگی شود و روابط فرد با همسرش را به تحلیل ببرد و موجب تعارض خانوادگی و در نتیجه اقدام به طلاق و جدایی شود. از دیگر یافته های این پژوهش این بود که میانگین وظیفه شناسی (وجدانی بودن) در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق بود، ولی این تفاوت معنادار نبود. یافته های این پژوهش با یافته های (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰)، (مرادی، ۱۳۹۲)، (دوتلان و همکاران، ۲۰۰۴)، (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹) همخوان است و با پژوهش (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲) ناهمخوان است. اگرچه در این پژوهش تفاوت معناداری بین زوجین عادی و متقاضی طلاق وجود نداشت، ولی با توجه به اینکه میانگین آن در زوجین عادی بیشتر از زوجین عادی بود، می توان این استنباط را کرد که افرادی که دارای ویژگی وظیفه شناسی هستند، برای اینکه روابط خود را با همسر و خانواده با ثبات نگهدارند، تلاش های بیشتری می کنند، بنابراین این افراد برای حفظ و ثبات زندگی مشترک تلاش بیشتری می کنند و به احتمال بیشتری برای بهبود روابط خود با همسر به خدمات مشاوره ای و روانشناسی مراجعه می کنند. از سوی دیگر براساس نظریه کوردک، سطح بالای وظیفه شناسی موجب کاهش رفتارهای خشونت آمیز در روابط زناشویی و خانواده می شود که این خود موجب کاهش اختلاف و تعارض در خانواده می شود. همچنین این افراد دارای ویژگی هایی چون خوش قولی و قابل اعتماد بودن را دارند که این خود در رضایت زناشویی می تواند تاثیر زیادی داشته باشد. علاوه بر این افراد وظیفه شناس به علت اعتقادات، باورها و تعهداتی که نسبت به خانواده و همسر خود دارند، از انجام رفتارهایی از قبیل مصرف مواد و الکل، رفتارهای غیر متعارف که با خانواده اسلامی و ارزش های آن مخالف است و می تواند بر ساختار خانواده آسیب بزند، خودداری می کنند، در نتیجه احتمال تعارض، جدایی و اقدام به طلاق کاهش می یابد. ولی افرادی که این ویژگی را کمتر دارند و یا ندارند نسبت به خانواده خود تعهد کمی دارند و به راحتی می توانند با انجام رفتارهایی روابط خود با همسر و خانواده را به تحلیل ببرند و موجب موجی از تعارض در خانواده شوند که فقط با جدایی و طلاق بتوان به این تعارضات پایان داد و همچنین افرادی که دارای ویژگی وظیفه شناسی پایینی هستند قادر به کنترل تکانه های نامناسب خود نیستند که این خود موجب رفتارهایی نابهنجار و غیر متعارف می شود که می تواند بر ساختار خانواده آسیب بزنند و موجب یکی از بزرگترین استرسورهای زندگی یعنی اقدام به طلاق شوند. از دیگر

یافته های این پژوهش این بود که میانگین موافقت (در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق بود، ولی این تفاوت معنادار نبود. نتایج این پژوهش با یافته های جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹)، و (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) همخوان است و با پژوهش (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰) ناهمخوان است. اگرچه در این پژوهش تفاوت معناداری بین زوجین عادی و متقاضی طلاق وجود نداشت، ولی با توجه به اینکه میانگین آن در زوجین عادی بیشتر از زوجین عادی بود، می توان این استنباط را کرد که افرادی که در این ویژگی نمرات بالایی می گیرند، افرادی هستند که به دیگران حسن نیت داند، مخلص و بی ریا هستند و به گونه ای سخاوتمندانه به منافع دیگران اهمیت می دهند. همچنین در تعارض بین فردی و زناشویی خود، پرخاشگری را به خوبی کنترل کرده و برای بخشیدن و فراموش کردن خطاها آمادگی دارند. عدم وجود این ویژگی سبب می شود که فرد رفتاری پرخاشگرانه نسبت به خانواده و همسر خود داشته باشد، نتواند اشتباهات همسرش را ببخشد و فراموش کند. علاوه بر این نمی تواند شرایط همسرش را خوب درک کند و واقع بین باشد، که این خود سبب تصمیم گیری های غیر منطقی در او می شود و به احتمال بیشتری با همسر خود دچار تنش و تعارض می شود و احتمال اقدام به طلاق در او افزایش می یابد. در مورد اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه محقق ساخته در مورد آشنایی قبل از ازدواج و دلایل طلاق، شواهد بیانگر این است که افراد متقاضی طلاق بیشترین فراوانی را در مدت آشنایی قبل از ازدواج یکسال و کمتر از یک سال داشته اند که این آشنایی قبل از ازدواج محدود خود می تواند موجب عدم شناخت کافی زوجین از یکدیگر شود و در نتیجه خود می تواند یکی از دلایل اقدام به طلاق باشد. از سوی دیگر یافته های پژوهش نشان داد که عدم تفاهم اخلاقی، مشکلات اخلاقی زوج و مشکلات اخلاقی زوجه از بیشترین دلایلی بوده است که افراد متقاضی طلاق آن ها را به عنوان علت تصمیم به طلاق بیان کرده اند، ناآگاهی زوجین، از ویژگی های اخلاقی یکدیگر به علت مدت آشنایی قبل از ازدواج محدود، باعث می شود قدم به ازدواجی مبهم بگذارند که در این ازدواج نتوانند شریک زندگی خود را در بسیاری از وجوه رفتاری و شخصیتی و ... بشناسند، در نتیجه پس از مدتی زندگی با این واقعیت روبرو می شوند که در ویژگی های رفتاری و شخصیتی خود با همسر خویش تفاهم لازم را ندارند، در نتیجه به مرور زمان از آن شرایط خسته شده و در صدد راهی برای کاهش دادن این شرایط خسته کننده هستند، که در پایان دیگر به این نتیجه می رسند که تنها با جدا شدن عاطفی و طلاق می توان این شرایط را پایان دهد. در نتیجه برای پایان دادن به این شرایط اقدام به طلاق می کند تا با پایان دادن به این شرایط، بتواند در آینده ای نزدیک به شرایط دلخواه و فرد دلخواه خود از نظر داشتن ویژگی های مورد نظر دست یابد.

منابع

۱. احدی، بتول (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی روانشناسی معاصره دوره دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۶
۲. دانش، عصمت (۱۳۸۴). «تاثیر همانندی/تضاد در ویژگی های شخصیتی درون گرایی ا برون گرایی بر رضایت زناشویی، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۰، اردیبهشت ۱۳۸۴».
۳. حسینی، زهراء خلفی، زهراء جابری، سمیه، صدیقی، اکرم؛ صالحی، وجیهه؛ تفویضی، متین؛ جزایری، رضوان السادات و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۱)، مقایسه ویژگی های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نتو. مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره ۴ و ۱، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲، صص ۱۷۳-۱۶۵
۴. حسینی نسب، داوود؛ بدری، رحیم، قائمیان اسکویی، آيسان (۱۳۸۸). رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۸
۵. خجسته مهر، رضا (۱۳۸۴)، بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبک های دلبستگی و متغیرهای جمعیت شناختی به عنوان پیشبین های موفقیت و شکست در زوجهای متقاضی طلاق و عادی در اهواز. پایان نامه دکترای روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

۶. چهره، هاشمیه، ازگلی، گیتی، ابوالمعالی، خدیجه، نصیری، ملیحه (۱۳۹۶) بررسی ارتباط ویژگیهای شخصیتی و رضایت زناشویی بر اساس مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی، مرور سیستماتیک، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره بیست دوم، آذر و دی
۷. شاهمرادی، سمیه؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، احمد (۱۳۹۰)، پیش بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی های شخصیتی، روانی و جمعیت شناسی زوج ها. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰
۸. شاکریان، عطاء فاطمی، عادل؛ فرهادیان، مختار (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و با رضایتمندی زناشویی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، بهار ۱۳۹۰، دوره شانزدهم، ۹۹-۹۲
۹. شکر کن، حسین؛ خجسته مهر، رضا عطاری، یوسف علی؛ حقیقی، جمال؛ شهنی ییلاق، مثنیحه: (۱۳۸۵)، بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی در اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال سیزدهم، شماره یک، صفحات ۳۰-۱
۱۰. صدراالاشرفی، مسعود؛ خنکدار طارسی، معصومه؛ شمخوانی، ازدر؛ یوسفی افراشته، مجید (۱۳۹۱). نشریه مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴ بهمن و اسفند ۱۳۹۱
۱۱. عسگری، ثریا (۱۳۸۹). رابطه سبک اسناد و ویژگی های شخصیتی با رضایت از زندگی زناشویی در پرستاران زن شهر ایلام پایان نامه ارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز
۱۲. فاضل، امین الله حق شناس، حسن و کشاورز، زهرا (۱۳۹۰)، قدرت پیشبینی ویژگی های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایتمندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره ۱ سوم، پاییز ۱۳۹۰
۱۳. فتحی آشتیانی، علی؛ محبوبه دادستانی (۱۳۹۰). آزمون های روانشناختی: ارزیابی شخصیت و سلامت روان، چاپ پنجم، ۱۳۹۰/انتشارات: بعثت
۱۴. کیامهر، جواد (۱۳۸۱)، هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO.F.F.I و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشمر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی-
۱۵. گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۰)، رویکرد نوین در ارزیابی شخصیت، تبریز: پژوه
۱۶. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۷)، بررسی فقهی - حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، مرکز نشر علوم اسلامی
۱۷. محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰)، آسیب شناسی اجتماعی زنان - طلاق، فصلنامه کتاب زنان، ش ۱۲، صص ۲۲-۸
۱۸. مرادی، امید (۱۳۹۲)، مقایسه خصوصیات جمعیت شناختی، ویژگی های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج های عادی و زوج های در آستانه طلاق. پژوهش های مشاوره، جلد ۱۲، شماره ۴۵.
19. Attari YA, Amanollahifard A, Mehrabizadeh Honarmand M (2016). Relationship between personality Characteristics and individual factors: A family with marital satisfaction in the state personnel office in Ahvaz. *J Sci Educ Psychol*; 3: 81-108. [In Persian].
20. Barelds, Dick. P.H., & Barelds-Dijkstra, Pieter. (2017). Partner personality in distressed relationships. *Journal of clinical psychology and psychotherapy*, 13, 392-396.
21. Caughlin, J.P., Huston, T.L., & Houts, R.N. (2016). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 326-336.

22. Dyrenforth PS, Kashy DA, Donnellan MB, Lucas RE. (2018) Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries: the relative importance of actor, partner, and similarity effects. *J Pers Soc Psychol*;99:690- 702.
23. Jarvis, M.O. (2016). The long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.
24. Guttman JM. A theory of marital dissolution and stability. *J Fam Psychol*. 1993; (7): 57-75
25. Luo, S., & Klohnen, E.C. (2005). Assortative mating and marital quality in newlyweds: A couplecentered approach. *Journal of personality and social psychology*, 88, 304-326.
26. Olson, R. R. and Nemchek, S. (1999). Five Factor personality similarity and Marital adjustment .Social behavior and personality .*An International Journal*. P, 309-317.
27. Robins, R.W., caspi, A., & Moffitt, T.E. (2015). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of personality and socialpsychology*, 79, 251-259.
28. Khademi A, Valipour M, Moradzadeh Khorasani L. S N. relationship between personality traits and marital satisfaction and its components among the married couples. *J Appl Psychol*. 2015;8(4):95–109
29. Molaei M, Banihashem SK.(2016) The relationship between martial satisfaction and the personality variables of the five-factor model. *Int J Humanit Cult Stud*. 2016;1(1):1783–90
30. McCrea RR, & Costa PT(2017;). A contemplated revision of NEO five factor inventory. *Journal of Personality and Individual Differences* 36: 587-596.
31. McCrea, R.R., Costa, P.T& Holland, J. L. (2005). Validation of the Five-Factor model of personality across instrument and observers. *Journal of Personality and Social psychology*, 52-81- 90.
32. Muhammadzadeh Ibrahimi A, Far had J, BorjAli A(2015). The relationship between similarity base on personality dimensions of couples and marital satisfaction. *Psychological and Scientific Educational Quarterly*; 3: 55-71. [In Persian]
33. Dunnellon BM, Conger RD, Bryant Ch. M (2010). The big five and enduring marriages. *J Res Peers*; 38: 481-504.
34. Rajabi, GH. Bangani. Kh. (2013). Relation between personalities Characteristic and love components with marital satisfaction among married Employed worker in Ahvaz City. *New and counseling research*, 25, 7-25. (In Persian).
35. Roberts BW, Kuncel NR, Shiner R, Caspi A, Goldberg LR. (2017) The power of personality: The comparative validity of personality traits, socioeconomic status, and cognitive ability for predicting important life outcomes. *Perspect Psychol Sci* 2007;2:313-45
36. Yang SX, Jowett S, Chan D.(2015) Effects of bigfive personality traits on the quality of

- relationship and satisfaction in Chinese coach-athlete dyads. *Scand J Med Sci Sports*;25:568-80
37. Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2015). General traits of personality and affectivity as relationships: Evidence from self- and partner ratings. *Journal of Personality*, 68, 413-449